



عدالت اجتماعی و ایجاد آن طی یک پروسه برنامه‌ریزی شده در جامعه محقق می‌شود و به هیچ عنوان برخلاف همه شعارهایی که در سال‌های گذشته شنیده‌ایم نمی‌توان جهشی و بدون برنامه‌ریزی به آن دست یافت چون برای دست یافتن به هر هدفی باید ملزومات آن را در اختیار داشت. لذا تحقق عدالت اجتماعی تنها با زمینه‌سازی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امکان‌پذیر است که البته زیربنای آن عدالت اقتصادی است. عدالت اقتصادی به این معنا که باید از امکانات و سرمایه‌های موجود استفاده کرده و راه پیشرفت کشور را هموار کند و در قبال فوایدی که از این پیشرفت عاید جامعه می‌شود به توزیع عادلانه ثروت بپردازد .

در سال‌های گذشته هم با اینکه اقداماتی انجام شده است، اما این اقدامات بر اساس نقشه راه نبوده و نهایتاً قدمی مثبت در راستای توزیع متوازن ثروت و عدالت اجتماعی برداشته نشده است. حتی در برخی موارد در حوزه توزیع عدالت کشور نه تنها رو به جلو حرکت نکرده بلکه عقب‌گردهای زیادی هم داشته است. بر همین اساس برای ایجاد پیشرفت، عدالت اجتماعی و توزیع متوازن ثروت باید ساختارهای مدیریتی در کشور اصلاح شود. ساختارهایی که برخی در خدمت پیشرفت نیستند و اگر کشور در مسیر پیشرفت نباشد، عدالت محقق نمی‌شود و در بهترین حالت صرفاً به تقسیم عادلانه فقر منجر می‌شود. موضوعی که با آموزه‌های دین مبین اسلام هم همخوانی ندارد. یک موضوع دیگری هم که در این راستا وجود دارد بحث ادعای برخی مبنی بر توزیع عدالت در کشور است.

در این مبحث نقدهایی جدی به این رویکرد وجود دارد چون قرار نیست ما اینگونه فکر کنیم که هر آنچه داریم را با یکدیگر تقسیم کنیم و بگوییم عدالت را محقق کرده‌ایم .

مثلاً الان دولت بگوید که کجا توانسته است توزیع متوازن ثروت انجام دهد؟ متأسفانه در سال‌های اخیر با وجود اینکه همواره از عدالت اجتماعی و توزیع متوازن ثروت سخن گفته شده است اما آنچه در جامعه دیده می‌شود با سخنان مسئولان هماهنگ نیست. باید شرایطی مهیا کرد که افراد جامعه به ماهیگیران ماهر مبدل شوند نه اینکه هر ماه در اختیارشان ماهی بگذاریم. تنها در این صورت است که کرامت انسانی حفظ می‌شود و افراد جامعه روی پای خود ایستاده‌اند. این دولت‌ها هستند که باید زمینه رشد و حفظ کرامت انسانی را در جامعه ایجاد کنند. همانگونه که مقام معظم رهبری پیش از این اشاره کرده‌اند پیشرفت مادی در کشور باید به همراه پیشرفت معنوی باشد و این به معنای همان پیشرفت همه جانبه از جمله در مقوله فرهنگ و سیاست است. بنابراین در نخستین قدم دولت باید سازو کارهای ایجاد عدالت در همه حوزه‌های یاد شده را در جامعه ایجاد کند و اگر از یکی از این موارد غافل شود عدالت اجتماعی محقق نخواهد شد .

این در حالی است که جامعه ما جامعه اسلامی است و در شرع ما اشاره شده که کلیه پیامبران مبعوث نشده‌اند مگر برای قسط و عدل. هرچند همه نهادهای جامعه اعم از نهاد روحانیت و خانواده و... باید در اجرای عدالت سهیم باشند اما این امر محقق نمی‌شود مگر آنکه دولت زمینه‌های اجرای آن را ایجاد کند. نظام اسلامی چارچوب کلی اهداف را ترسیم می‌کند اما جهت دادن به جامعه از طریق برنامه‌ریزی و استفاده از نخبگان از وظایف دولت است. ضمناً دولت‌ها مسئول هستند موانعی که بر سر راه تحقق این مفهوم در جامعه است را برطرف کنند. متأسفانه با تکرار شعار عدالت، در اذهان بسیاری از مردم، مفهوم عدالت اجتماعی به مفهومی انتزاعی و دور از ذهن مبدل شده است. این در حالی است که این مفهوم با برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی می‌تواند قابل دسترس باشد .